

گزینہٴ غزل

غلامرضا طریقی

www.ketab.ir

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: طریقی، غلامرضا، ۱۳۵۶-

عنوان و نام پدیدآور: گزینه غزل / غلامرضا طریقی.

مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: [۱۶۸]ص.

شابک: 978-600-304-206-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی قرن ۱۴.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ گ ۹۶ / ۸۱۶۴ PIR

رده بندی دیویی: ۸۱۶۲ / ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۷۹۱۰۲



فصل پنجم

ناشر تخصصی شعر

گزینه غزل
غلامرضا طریقی

ناشر: فصل پنجم

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

طراح جلد: مریم حائری

عکس: مسعود ذاکری - امیر هوشنگ امیرشکاری

صفحه آرا: محسن بیگی

شابک: ۳-۲۰۶-۳۰۴-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

صندوق پستی ناشر: ۱۴۶۶۵/۱۵۹۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷ - ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

ایمیل فصل پنجم: fasle5.1386@gmail.com

سایت فصل پنجم: www.Fasle5.ir

نام و مطلع سروده‌ها

- سفید، تو - سیاه، من / همیشه برده - خواه، تو - / ۱۵
- آفرینش / با یاد شانه‌های تو سر آفریده است / ۱۷
- مطلوب من / آن کس که می‌بایست با من همسفر باشد / ۱۹
- من و تو / رسیده‌ایم به هم، برخلاف هر من و تو / ۲۰
- با زبان آذری / اگر چه تو به بهای جوی نمی‌خری ام / ۲۲
- روزگار / وقتی زمین به طرز نگاهت دچار شد / ۲۴
- شیطان عددی نیست / من آتش عشقم که جهان در اثرش سوخت / ۲۶
- نفرین به این زمانه / دیگر خون به هیچ سری سر نمی‌زند / ۲۸
- قسمت آخر / قسمت این بود که من با تو معاصر باشم / ۳۰
- آنی که نیستی / حالم بد است مثل زمانی که نیستی / ۳۲
- خیال خام / ای خیال خام دوست سینه جای یاد نیست / ۳۳
- مرغ سحر / کمتر بخواه مرغ سحر ناله سرکند / ۳۵
- بی‌کیمیای بوسه / بعد از تو در اجاق دلم همیشه تل شده / ۳۷
- دولت قدرت ندیده / اشکی که روی گونه‌ی ما خط کشیده است / ۳۹
- اقلیما / دختر ابلیس «اقلیما» چشم‌های تو چه نامردند / ۴۱
- دیوانه در دیوانه / من که به تشخیص شما از هر نظر دیوانه‌ام / ۴۲
- من کیستم / من هستم و سوال بزرگی که در سرم / ۴۴
- جفت تنها / روزی خدا به سینه‌ی من پا گذاشته / ۴۶
- جهان غزلی عاشقانه است / محبوب من، جهان غزلی عاشقانه است / ۴۸

- بی اوج و موج / تا با سکون بستر خود خو گرفته ایم / ۵۰
- ناخدای انسان ها / بله به خیر تو ای ناخدای انسان ها / ۵۲
- دزد هست / چشمت که گوی سبقت از مست برده است / ۵۴
- سی مرغ / تیر تحویل گرفت از خرداد چرخ این چرخه ی تکراری را / ۵۵
- تکه یخ / بس است هر چه زمین از من و تو بار کشید / ۵۷
- می خواستم نشد / می خواستم کنار تو باشم ولی نشد / ۵۹
- بله قربان / باز بیزارت ترین دشمن انسان شده ام / ۶۱
- اتل متل / مرا بخوان که حروفم پر از غسل بشود / ۶۲
- کارمند پیمانی / ای دو چشم نو در پس پلکت، مست های همیشه زندانی / ۶۴
- روزنامه / از تو در این روزنامه ها خبری نیست / ۶۵
- خاک بر این دل / مثل تو با من اخدی بد نکرد / ۶۷
- صورت سرخ / بی سبب مدوز ای دوست چشم خود به ایوان ها / ۶۹
- دایه ی عاشق تر از مادر / من آن چوپان بی دیم که پیغمبر نخواهم شد / ۷۱
- آثار باستانی / آرامگاه پاک تاریخ قهرمانی ست / ۷۲
- آه از این عشق / تا خدا در صف عشاق تو تصویرم کرد / ۷۴
- دو - سه رویا / هر شب برای من دو سه - رویا می آوری / ۷۶
- داشتن / اگر چه شک عجیبی به «داشتن» دارم / ۷۸
- جفجفه ی مجنون / تاکی از یوسف و آن پیرزن تر دامن / ۷۹
- ائتلاف چپ با راست / دست هایت دو جوجه گنجشک اند... / ۸۱

- گل میوه دهنده / جامی خورد از تردی ساق تو پرنده! / ۸۲
- چشم زیتون / چشم زیتون سبز در کاسه، سینه‌ها سیب سرخ در سینی / ۸۴
- آتش فشان خاموش / ای - آب آتش زننده - چشم خوش شعله پوشت! / ۸۵
- بنهر / همین که آبنه‌ی چشم آبی‌ات تر شد / ۸۷
- پیش تو من کیستم / گر چه تنت را هنوز لمس نکرده‌تم / ۸۹
- فال و تماشا / اگر منعم کند دین از شراب خون‌گیری‌ات / ۹۰
- نبرد یک طرفه / دوباره زنده شدن، بیم جان نمی‌خواهد! / ۹۲
- ترن - زن / همین که گفت قطاری به شکل زن هستم! / ۹۴
- من نامه / شرمندهم که حرف دو پهلو نمی‌زنم! / ۹۶
- شکست بت پرست / کدام چشم بد آیا کدام دست شکست؟ / ۹۸
- کلید روی در / چنین کز عشق گردن می‌کشی هر لحظه بایک سر! / ۹۹
- فاصله در نقشه / گر چه هنگام سفر جاده‌ها جانگهانند! / ۱۰۰
- زودرنجی / قابل لمس خیالی نیستم! / ۱۰۲
- دوباره مثل همیشه / دلم گرفته دوباره، دوباره - مثل همیشه -! / ۱۰۳
- تو هم روزی ... / تو هم درد مرا تسکین نخواهی داد، می‌دانم / ۱۰۴
- این نیمه غزل / دردی که گرفته‌ست مرا، مال خودم نیست / ۱۰۵
- قصه‌ای نیست / گر چه سخت است به فکری هوس‌نان نرسد / ۱۰۶
- زمستان است / در این شهر شلوغ - این مامن ابلیس - ویلانم! / ۱۰۸
- گلایه / بخوابان چشم! شاید یار را این بار هم دیدی / ۱۰۹

- دایره مرگ / عشق چرخ است که بر محور تن می چرخد! / ۱۱۱
- پیام کوتاه / گفتن این که دوست دارم اولین راه و آخرین راه است / ۱۱۲
- تاریخ مصرف / دیگر زمان زلف پریشان گذشته است / ۱۱۳
- عشق زمینی / ای که هوای منی بی تو نفس ادعاست / ۱۱۴
- فن بیان / ای بازی زیبای لبست بسته زبان را / ۱۱۵
- ای دل بزن! / ای دل بزن! اگر چه گرفتار نیستی! / ۱۱۷
- آواره‌ی تهران / این مهم نیست که دل تازه مسلمان شده است / ۱۱۹
- ابلیس / انسان، گلی لطیف یا خشت خام بود؟ / ۱۲۱
- دیوار چین / با سیل و رگبار و طوفان می سازم / ۱۲۳
- همه‌ی هستی‌ام / ای در و دیوار، همه مست تو / ۱۲۴
- مرا ببر / دست دست می‌بری عاقبت به سر مرا / ۱۲۵
- لعنت / هزار بار، پس از چند مرجهاء لعنت / ۱۲۶
- شرمنده باد عشق / دریا خوراند و از عطش هیچ کم نکرد! / ۱۲۷
- شیره‌ی شعرم / سلام شیره‌ی شعرم! گلوله نمکم! / ۱۲۸
- معمولی / در دفتر شعر من - این دیوان معمولی - / ۱۲۹
- افاده / حیف لب تو، که باده باده / ۱۳۱
- از قاف به قاشق / بگذار زمین زیر پر و بال تو باشد / ۱۳۳
- از قضا جدا / ای رنگ چشم‌های تو از رنگ‌ها جدا / ۱۳۵
- برما چه رفته است / اول بنا نبود که غمگین مان کنند / ۱۳۷

- مرگ / ای پرنده! بی پرواز، بال تو پر مرگ است! / ۱۳۹
- فلسفۀ مسخره / روی تن پروانه سر مار کشیدن! / ۱۴۰
- «افسانۀ درخت» / «انسان - درخت»! دست تو ساقه! تنت تنه! / ۱۴۲
- عبادی / صوتت - اگر چه حنجره‌ات، ساز بادی است! / ۱۴۳
- زیاله‌ها / دردا که سیب عشق بدست تفاله‌ها / ۱۴۵
- گریه می‌کند / می‌روم که می‌بخرم گریه می‌کند / ۱۴۷
- غزل نامه / سلام ای که شکستی بلور جان مرا / ۱۴۹
- قرار / برای این که به دنیا قرار برگردد / ۱۵۱
- تنبور / تن تنم به یاد تو تنبور می‌زند! / ۱۵۲
- من کیستم / من کیستم؟ بهی که جهان بهترش نکرد! / ۱۵۴
- باد دزد / نیمه شب چینی اگر پیرهنش بردارد! / ۱۵۵
- شب جشن / روسری و می‌کنی خوشید عینک می‌زند! / ۱۵۶
- فال / در فال او کسی ست که در فال من نبود / ۱۵۸
- حتی اگر / حتی اگر کور باشم شادم اگر می‌توانم / ۱۶۰
- با این که / با این که آخرین نفس این هزاره‌ام / ۱۶۱
- یکی نیست / هنگام هوس وضع من و یار یکی نیست / ۱۶۳
- دری وری / بی تو دنیا پر از دری وری است / ۱۶۵
- ضیافت واهی / تف به ذات‌ات که بادو تا نقطه حرف حرف... / ۱۶۶
- پیک / من از تو بر دمیده تو از می برآمده / ۱۶۷

بی مقدمه

آنچه در این کتاب می‌خوانید، برگزیده‌ای از غزل‌هایی است که تاکنون از من منتشر شده است. دوستانی که مهری به نوشته‌های من دارند این غزل‌ها را در کتاب‌های «آن قدر پرم از تو که کم مانده ببارم»، «هر لبیت یک کبوتر سرخ است»، «جهان غزلی عاشقانه است»، «با یاد شانه‌های تو»، «به جهنم» و «ایمان بیاورید به تمدید فصل سرد» خوانده‌اند.

مجموع کردن چنین گزیده‌ای شاید، هم فرصتی برای من بوده باشد تا شش مجموعه‌ی شعر پیشین را مرور کنم و هم دریچه‌ای برای آشنایی مخاطبانی که همه‌ی کتاب‌ها را در دست و دسترس نداشته‌اند.

آنچه می‌خوانید پاره‌هایی از زندگی من است از نوجوانی تا امروز که سی و هفت ساله‌ام. پاره‌هایی از بیست سال زیستن با غزل که خواسته یا ناخواسته، مهم‌ترین محور زندگی من شده است.

پیشکش می‌شود این کتاب به شما که کتاب‌های پیشین مرا با مهر پذیرفته‌اید. با این امید که زندگی مجال بیشتر و بهتری برای تنفس در هوای غزل به من بدهد تا باری دیگر با کتابی دیگر به شما بگویم: «درو»

بامهر

غلامرضا طریقی

آذرماه ۱۳۹۳